

تحلیل جایگاه ایران در حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند «با تاکید بر ارائه یک مدل راهبردی در سیاست خارجی و برنامه ریزی اقتصادی»

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سجاد کریمی پاشاکی^۱

دکترای جغرافیای سیاسی، واحد صومعه سرا، دانشگاه آزاد اسلامی، صومعه سرا، ایران

علی کاظمی پور

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

سعید زینتی

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

مهدی امان الله

دانشجوی دکترای مدیریت تکنولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۰۳

چکیده

اقیانوس هند از منظر سیاست خارجی و همچنین سیاست دفاعی آمریکا بسیار حائز اهمیت است، زیرا این اقیانوس محل تلاقی سه قاره بزرگ، آسیا، آفریقا و اقیانوسیه به صورت مستقیم و دو قاره آمریکا و اروپا از طریق مسیرها و کانال‌های ارتباطی است. از این رو این حوزه به عنوان یکی از مهمترین آبراهه‌های بین‌المللی در جهان محسوب می‌گردد. نقش اقیانوس هند در صحنه عملیاتی جنگ سرد بر مبنای محور نظامی قرار داشت که در دوران رقابت‌های دو ابرقدرت آمریکا و شوروی، رقابت‌های تسلیحاتی و منازعات در مناطق ژئوپلیتیکی آن، جغرافیای این اقیانوس را به جغرافیای نظامی تغییر کارکرد داده بود. دریای عمان و خلیج فارس نیز از منظر ژئواستراتژیک به عنوان یکی از زیر سیستم‌های اصلی اقیانوس هند مطرح می‌باشند. این موقعیت می‌تواند به نقش آمریکا به عنوان کانون محوری در معادلات این منطقه اشاره نماید. این کانون هژمونیک می‌بایست دارای ساختار و نظم منطقه‌ای ویژه‌ای باشد که این ساختار در ابعاد مختلف توجیه‌پذیر است. در این مقاله نگارندگان با روش تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از منابع موجود تلاش نموده‌اند، علاوه بر بیان ویژگی‌های ژئواستراتژی اقیانوس هند و دریای عمان برای رسیدن به امنیت پایدار در این حوزه، به نقش ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای اشاره و چارچوب‌های ارتقای نقش بازیگری ایران را در سطح منطقه تحلیل نمایند.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار، اقیانوس هند، دریای عمان، ژئواستراتژی، نیروی دریایی، مدل راهبردی، سیاست خارجی، برنامه ریزی اقتصادی

مقدمه

کرانه پهناور اقیانوس هند دیر زمانی است که مورد توجه سیاست‌مداران، نظامیان، بازرگانان و گردشگران قرار گرفته است. این اقیانوس پهناور که سه قاره بزرگ آسیا، آفریقا و اقیانوسیه را به صورت مستقیم و دو قاره بزرگ آمریکا و اروپا را از طریق مسیرها و کانال‌های ارتباطی به یکدیگر وصل می‌کند، بنابراین این اقیانوس از مهم‌ترین آبراهه‌های بین‌المللی در جهان محسوب می‌شود.

آغاز داد و ستد میان جهان شرق و جهان غرب از مسیر دریائی اقیانوس هند، نشان دهنده اهمیت استراتژیک این اقیانوس در دوران گذشته است. حمل و ترانزیت بالغ بر ۹۰ درصد از حامل انرژی در اقیانوس هند و قرار گرفتن چندین آب راه و تنگه بین‌المللی مهم و استراتژیک در مسیر این اقیانوس و همچنین رشد فزاینده قاچاق کالاها و مواد مخدر از این مسیر دریائی و لزوم نظارت بر آن، اهمیت اقیانوس هند را دو چندان نموده است. وجود جزایر سوق‌الجیشی و حساس و همچنین بنادر و سواحل استراتژیک و فعال در امور تجاری و بازرگانی در طول این اقیانوس، بر اهمیت این آبراه بین‌المللی افزوده است. جذابیت اقیانوس هند در نظر قدرت‌های غربی که تاریخ درازپایی در داخل و کنترل تاریخی این ناحیه دارند، بر اهمیت مشارکت کشورهای حاشیه اقیانوس در قابل‌گروهبندی جدیدی که قادر به حفظ امنیت ویژه خود بدون دخالت قدرت‌های بزرگ باشد، می‌افزاید. برای نمونه گسترش تسلیحات اتمی و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای چین، هند و ایران در امتداد حوزه اقیانوس هند می‌تواند جنبه ژئواستراتژیک این حوزه را از نو زنده کند و اقیانوس هند را به مناطق رقیب تقسیم نماید. (Hosseini, 2009)

اقیانوس هند و دریای عمان از منظر سیاست خارجی و همچنین سیاست دفاعی بسیاری از قدرت‌ها نظیر ایالات متحده نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از سوی دیگر بیش از نیمی از موقعیت جغرافیایی و ژئواستراتژیک تنگه هرمز که در واقع مهم‌ترین گلوگاه ورودی به این اقیانوس است، در اختیار ایران قرار دارد. این تنگه روزانه شاهد تردد صدها نفتکش و کشتی‌های باری و تجاری و همچنین در مواقعی هم شاهد عبور کشتی‌های جنگی دول مختلف از این تنگه می‌باشد.

از منظر ژئواستراتژیست‌ها در هر پدیده جغرافیایی، بخش میانی به مثابه قلب جبهه تلقی می‌شود و نفوذ در مرکز و قلب هر جبهه‌ای، مترادف با سقوط جبهه است. بازگشت آسیا به مرکز توجهات جهانی به ویژه تمرکز استراتژیست‌های جهان بر اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای عمان نشان دهنده افزایش سهم آسیا در مناسبات بین‌المللی است. برای کسب هژمونی منطقه‌ای در بُعد دفاعی در این حوزه می‌بایست علاوه بر توسعه تجهیزات نظامی و بندری رویکردی استراتژیک به بنادر نیز داشت. زیرا یک قدرت دریایی زمانی قدرت عملیاتی دارد که برای رفع نیازهای لجستیکی خود از پایگاه ساحلی استفاده نماید که دارای عمق استراتژیک برخوردار باشد. لذا این پژوهش از آن جهت دارای اهمیت می‌باشد که علاوه بر تبیین جایگاه قدرت‌ها در ژئواستراتژی اقیانوس هند و دریای عمان به تقابل قدرت‌ها نیز توجه ویژه‌ای دارد.

این مقاله با رهیافت راهبردی، روشی تحلیلی - توصیفی داشته و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات این مقاله نیز روش کتابخانه‌ای بوده و پس از طبقه‌بندی اطلاعات تجزیه و تحلیل صورت پذیرفته

است در این مقاله تلاش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که: چگونه ایران می‌تواند نقش خود را در حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند ارتقا بخشد؟

- ژئواستراتژی بحری

ژئواستراتژی از دو واژه تشکیل شده است: ژئو به معنی جغرافیا و استراتژی به معنی راهبرد یا روش اجرایی که دستیابی به هدف‌ها یا مأموریت‌ها را با استفاده مؤثر از منابع و مقدرات ممکن می‌سازد. اما ژئواستراتژی اصطلاحاً به علمی گفته می‌شود که وظیفه کشف روابطی که بین یک استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد را بر عهده می‌گیرد. ژئواستراتژی در حقیقت علم کشف روابطی است که بین یک استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد. (Ezzati, 2000: 9) موضوع ژئواستراتژی در ابتدا تعیین قلمرو جغرافیایی استراتژی‌های نظامی به منظور هدایت صحیح عملیات نظامی بود اما این واژه از نیمه دوم قرن بیستم عملاً در استراتژی‌های نظامی جای گرفت. به معنای دیگر ژئواستراتژی در آغاز نقش و وظیفه جغرافیای نظامی را در جنگ‌ها به عهده گرفت با این اختلاف که دیگر هدف جنگ محدود نبود و عقبه مفهومی نداشت ولی با تطور مفهومی در بستر زمان این بار ژئواستراتژی عوامل جغرافیایی را دسته بندی کرد و به صورتی منظم‌تر و جهانی به آن پرداخت. امروزه پیشرفت تکنولوژی در ابعاد و حوزه‌های گوناگون موجب شده برخی از عوامل طبیعی نقش خود را در ژئواستراتژی از دست بدهند البته به موازات آن بر اهمیت برخی دیگر نیز افزوده شده و از سوی دیگر پیوستگی عوامل جغرافیایی و آثار آن بر عملیات نظامی پیچیده‌تر شده است. لذا در شرایط کنونی تمامی تحولات نظامی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در ارتباط مستقیم با ملاحظات ژئواستراتژیک قرار دارد. در این زمینه مسائل ژئوپلیتیکی بیش از سایر مسائل با اصول و مبانی ژئواستراتژیک ارتباط دارد و به همین دلیل در بسیاری از راهبردهای اعلامی و اعمالی از سوی کشورها و تجزیه و تحلیل‌های سیاسی و امنیتی، موقعیت و وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی یک واحد سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

یکی از بزرگ‌ترین تحولات در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک در دوران جنگ سرد، معیارها و شاخص‌ها نظامی بود و بنابراین نقاط استراتژیک، مناطق استراتژیک و جبهه‌های استراتژیک متأثر از اهداف نظامی بوده و استراتژی‌های نظامی تبدیل به استراتژی‌های بری و بحری می‌شد و کشورهای وابسته به دو بلوک به همین ترتیب عمل می‌کردند. روی همین اصل در تمام دوران جنگ سرد، قدرت نظامی مهم‌ترین عامل به‌شمار می‌رفت و در نهایت این قدرت بود که منجر به تقابل می‌شد. اما رفته‌رفته شاخص‌های نظامی برای تعیین قلمروهای ژئواستراتژیک و به تبع آن قلمروهای ژئوپلیتیکی دچار تغییر و تحول شد. در نتیجه، اکنون نقاط استراتژیک، مناطق استراتژیک و قلمروهای ژئواستراتژیک بیشتر براساس معیارهای اقتصادی تعیین می‌شود، اما قابلیت مناطق از جهت کاربرد نظامی هم مورد نظر است. بنابراین به طور کلی ژئواستراتژی به دو دسته بری و بحری تقسیم می‌شود. با پایان جنگ سرد ژئواستراتژی بری رو به افول گذاشت و ژئواستراتژی بحری به عنوان قدرت برتر مطرح شد. این مسئله در طول تاریخ نیز مشهود است زیرا کشورهای نظیر پرتغال؛ هلند، انگلستان و ... استعمارگرانی بودند که از طریق دریا به مستعمرات خود نفوذ کرده و تسلط یافته‌اند.

تا سده شانزدهم میلادی قدرت‌های آسیایی در این آبراه تسلط کامل داشتند. ایرانیان، هندی‌ها، اعراب و چینی‌ها قدرت‌های یکه‌ناز در این اقیانوس و کرانه‌های آن بودند. با کاهش قدرت در آسیا و سریر آوردن قدرت‌های دریایی اروپایی در جهان و پیدایش دماغه امید نیک برای نخستین بار از سوی واسکودوگامای پرتغالی کم‌کم قدرت‌های آسیایی افول کرده و اقیانوس هند و کرانه‌های آن در دست قدرت‌های جهانی دریانوردی قرار گرفت. (Johari, 1995:100) پس از پرتغالی‌ها، هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به منطقه آمدند و بر تمام و یا بخشی از آب‌های اقیانوس هند و کرانه‌های آن و کشورهای کناره آن حکمفرمایی داشتند و با ایجاد پایگاه‌های نظامی و تأسیسات بازرگانی حضور خود را تثبیت کردند. در این میان بریتانیا حضور بیشتری در منطقه داشت. (Hafiznia, 1999:19) ایران تنها کشور کناره خلیج فارس بود که مستعمره نشد اما کارکردهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن بویژه در دوران تازه همواره مورد نظر و توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفته و ایران را با چالش‌های گوناگون روبه‌رو کرده است. (Hafiznia, 2002:253)

بریتانیا اقتدار و حاکمیت خود را بر اقیانوس هند و خلیج فارس در سده ۱۸ و ۱۹ و تا میانه سده ۲۰ حفظ نمود و با حذف تک‌تک قدرتهای محلی و ابرقدرتهای جهانی همچون پرتغال، هلند، فرانسه، روسیه، بلژیک و آلمان زمینه حضور همه‌جانبه خود را در منطقه فراهم آورد آنچنان که اقیانوس هند دریاچه بریتانیا نامیده شد. مجموع ارزشهای نهفته در اقیانوس هند و کشورهای کناره آن، بریتانیا را به صورت دولتی مقتدر و هوشیار در منطقه درآورد که مراقب نفوذ رقیبان در دسترسی به منابع اقیانوس هند بود. این یکه‌تازی راه را برای دسترسی به منافع کلان منطقه هموار ساخته و امنیت مورد نظر بریتانیا را در اقیانوس هند برقرار می‌ساخت. با غروب امپراتوری بریتانیا و مشکلات برآمده از جنگ جهانی دوم و بویژه با از دست دادن هندوستان (بزرگ‌ترین مستعمره جهان) منافع بریتانیا در اقیانوس هند به شدت به خطر افتاد و دیگر بریتانیا یارای پرداخت هزینه‌های نظامی و دریایی و استقرار نیروهای خود به صورت آشکار در این آوردگاه جهانی را نداشت. با برآمدن قدرتهای تازه جهانی پس از جنگ جهانی دوم یعنی اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا، بریتانیا تصمیم گرفت که کنترل منطقه را به هم پیمان خود آمریکا واگذار کند تا در برابر گسترش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در منطقه بایستد. از اینرو حکومت کارگری بریتانیا در سال ۱۹۶۸ میلادی اعلام کرد که نیروهای خود را از خاور کانال سوئز بیرون می‌برد و این مهم تا سال ۱۹۷۱ میلادی و بویژه در خلیج فارس انجام شد. (Mojtahedzadeh, 2006:135) این آغاز روند خالی شدن اقیانوس هند از یک قدرت مهم جهانی و نیز آغاز رقابتهای ژئوپلیتیک بین قدرتهای جهانی دیگر برای نفوذ بر شاه‌رگ ارتباطی جهان بود.

با بیرون رفتن بریتانیا، اتحاد جماهیر شوروی در مارس ۱۹۶۸ میلادی ناوگان پاسفیک خود را راهی اقیانوس هند کرد و پایگاههای منطقه‌ای از جمله: یمن، شاخ آفریقا، هند و عراق را برپا و در ۱۹۶۹ میلادی امتیاز بهره‌برداری از بندر بربره در سومالی را بدست آورد. (Bauman & Clarke, 1990:51) روس‌ها که دستیابی به آبهای گرم اقیانوس هند از آرمان‌های دیرینه آنهاست بیش از آنکه به اقیانوس هند دیدی اقتصادی داشته باشند هدف‌های نظامی و استراتژیک را دنبال می‌کردند.

در پی نفوذ شوروی به اقیانوس هند، چین و ژاپن نیز خود را ناگزیر از ورود به رقابتهای قدرت در اقیانوس هند دیدند. راههای ارتباطی و بازرگانی اقیانوس هند از دیرباز در دست قدرتهای آسیایی و به خصوص چین قرار داشت،

وابستگی فزاینده ژاپن به منابع نفت خاورمیانه و لزوم صادرات فرآورده‌های این کشور از راه‌های دریایی اقیانوس هند به خاورمیانه، جنوب آسیا، آفریقا و اروپا، وابستگی اقتصاد ژاپن را به اقیانوس هند نشان می‌دهد. چین نیز که هدف‌های سیاسی و اقتصادی خود را دنبال می‌کرد از حضور شوروی در مرزهای جنوبی خود در اقیانوس هند بیمناک بود و سرانجام در سال ۱۹۸۵ میلادی کشتی‌های جنگی خود را به اقیانوس هند و دریای عمان فرستاد. فرانسه نیز که دارای علایقی در غرب آفریقا بود برای پاسداری از کشتی‌های بازرگانی و نفتکش‌های خود نیروی دریایی به منطقه گسیل داشت.

ایالات متحده آمریکا تا پیش از جنگ جهانی دوم در اقیانوس هند تنها در بخش‌های تجاری، دریایی و پیدا کردن نفت فعالیت داشت. با پایان جنگ جهانی دوم و کمک‌های آمریکا به کشورها بر پایه اصل ۴ ترومن، نفوذ آمریکا در کشورهای منطقه آغاز شد. (Hafiznia, 1999:104) پس از رفتن بریتانیا از منطقه، مأموریت پاسداری از منافع غرب در برابر اتحاد جماهیر شوروی را ایالات متحده بر عهده گرفت. اهمیت اقتصادی، امنیتی، انرژی، گذر دریایی و منابع و مواد خام در اقیانوس هند و کشورهای کناره آن، حضور شوروی بعنوان رقیب آمریکا، اختلاف‌ها و درگیری‌های اساسی بویژه در جبهه‌های آسیایی و خاورمیانه، ناامنی در کرانه‌های آفریقا، جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی، هند و پاکستان، پاکستان و بنگلادش، ناامنی‌های کناره خلیج فارس، درگیری‌های رقابتی در جنوب خاوری آسیا و ... رقابت‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک میان دو ابرقدرت آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی را دامن زد و چالش‌های بزرگی برای کشورهای کناره اقیانوس هند فراهم آورد. در سال ۱۹۷۱ میلادی جزیره دیه گو گارسیا در مرکز اقیانوس هند که از آن بریتانیا بود به پایگاه دریایی و هوایی نیروهای آمریکایی در منطقه تبدیل شد که با اعتراض کشورهای منطقه از جمله هند رو به رو شد. (Laipson and Padya, 2009) در این هنگام سیاست نیکسون در نقاط گوناگون جهان اجرا می‌شد. در این سیاست آمریکا برای اجرای مقاصد خود در کانون‌های بحرانی جهان لازم می‌دید تا آنجا که ممکن است از نیروهای بومی بهره‌گیری کند و از حضور مستقیم نظامی خودداری کند و از استراتژی حضور غیرمستقیم و واگذاری مسئولیت امنیت منطقه به قدرتهای محلی پیروی کند. (Hafiznia, 1999:116) حضور نظامی ایالات متحده از طرفی به دلیل بیداری سیاسی جوامع انسانی منطقه تشدید شد. برژینسکی؛ آگاهی بی سابقه سیاسی توده‌های چندین میلیون مردم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین این حقیقت را که هلال بی ثباتی دقیقاً از میان کشورهای اقیانوس هند می‌گذرد را متذکر شد. (Lessons of Islam's School, 1980:41) فرمانروایی بر مشترکات، راهبرد کلیدی جهت حفظ قدرت جهانی ایالات متحده، به عنوان قدرت برتر در جهان می‌باشد. این استراتژی به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا از دیگر منابع قدرتی منجمله توان نظامی و اقتصادی خود، همچنین توان نظامی و اقتصادی متحدینش بطور کامل بهره برداری کند. در واقع با اجرای این استراتژی، متحدین مفید باقی می‌مانند؛ آنان برای ایالات متحده پایگاه‌های رسمی و غیر رسمی، که جاباهای مهمی برای عبور در جهان‌اند، را فراهم می‌سازند. در حقیقت قدرت نظامی این متحدین بطور معتدل باعث حفظ و تقویت فرمانروایی بر مشترکات می‌شود. (Pishgahifard & Khaniha, 2009:178)

بازی‌های قدرت در خلیج فارس و اقیانوس هند پس از بیرون رفتن بریتانیا و مشکلات سرزمینی و مرزی ناشی از حضور تاریخی بریتانیا در این منطقه شرایط حساسی را فراهم آورده بود. در این هنگام هند، ایران و استرالیا بیش از

دیگر کشورهای منطقه از شرایط موجود احساس خطر می‌کردند و آن را به سود کشورهای کناره اقیانوس هند و منطقه خاورمیانه نمی‌دانستند. دولت ایران نیز نگرانی خود را مبنی بر اینکه ایران در اقیانوس هند دارای حق است و به حذف رقابت‌های نظامی منطقه‌ای و جهانی در کشورهای کناره این اقیانوس باور دارد، ابراز می‌داشت. این نخستین باری بود که ایران در اقیانوس هند برای خود حق قائل بود. پشتیبانی ایالات متحده از ایران با توجه به سیاست عدم حضور فیزیکی در مناطق و واگذاری برقراری امنیت مناطق گوناگون جهان به کشورهای دوست در همان مناطق و در برابر شوروی اندیشه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بزرگی را در زمامداران وقت ایجاد کرد به گونه‌ای که ایران حوزه امنیتی خود را تا مدار ۱۰ درجه جنوبی در اقیانوس هند تعریف می‌نمود و نسبت به تمام رویدادها و درگیری‌های منطقه‌ای واکنش نشان می‌داد و در این رابطه هزینه‌های گزافی را متحمل می‌شد. از جمله در کشور عمان و درگیری در ظفار و میانجیگری شاه میان دولتهای هند و پاکستان برای جلوگیری از درگیری. (Mojtahedzadeh,2006:145)

- ژئواستراتژی اقیانوس هند

اقیانوس هند سومین اقیانوس بزرگ جهان است و ۲۰ درصد از سطح کره زمین را پوشانده است و در حدود ۷۵ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد. این اقیانوس از شمال به آسیا، از غرب به آفریقا، از شرق به استرالیا و از جنوب به اقیانوس منجمد جنوبی منتهی می‌شود. به علت عبور از خط استوا و مدارهای رأس السرطان و رأس الجدی از آب‌های گرم‌ترین اقیانوس جهان نیز به شمار می‌آید. دریای آندامان، دریای عمان، خلیج بنگال، خلیج فارس و خلیج عدن؛ از مهم‌ترین آب‌هایی هستند که از این اقیانوس انشعاب می‌گیرند. در یک مقایسه تطبیقی جایگاه اقیانوس هند در میان اقیانوس‌های مختلف نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: مقیاس مساحت و ویژگی‌های اقیانوس‌ها

اقیانوس	مساحت (به مایل)	عمق میانگین (فوت)	عمیق‌ترین نقطه (فوت)
اقیانوس آرام	۶۴۱۸۶۰۰۰	۱۵۲۱۵	درازگودال ماریانا، ۳۶۲۰۰ فوت عمق
اقیانوس آتلانتیک	۳۳۴۲۰۰۰۰	۱۲۸۸۱	درازگودال پورتوریکو، ۲۸۲۳۱ فوت عمق
اقیانوس هند	۲۸۳۵۰۰۰۰	۱۳۰۰۲	درازگودال جاوه، ۲۵۳۴۴ فوت عمق
اقیانوس جنوبی	۷۸۴۸۳۰۰ مایل مربع (۲۰۳۲۷)	۱۳۱۰۰-۱۶۴۰۰ فوت عمق (۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر)	حاشیه جنوبی درازگودال جنوبی ساندویچ، ۲۳۷۳۶ عمق فوت (۷۲۳۵ متر)
اقیانوس شمالی	۵۱۰۶۰۰۰	۳۹۵۳	حوضه اوراسیا، ۱۷۸۸۱ فوت عمق

Source: www.hupaa.com

اقیانوس هند، اقیانوسی استراتژیک، مهم و اقتصادی در جهان است تا اندازه‌ای که آن را قلب اقیانوس‌های جهان نامیده‌اند. آلفرد ماهان در مورد اهمیت این آن می‌گوید: «هرکس بر اقیانوس هند کنترل داشته باشد بر آسیا فرمانروایی می‌کند». اقیانوس هند کلید ورود به ۷ دریای مهم جهان و ۴ تنگه استراتژیک جهان یعنی هرمز، باب‌المندب، مالاکا و سوئز است. ترانزیت انرژی، مواد خام و شیلات مهمترین دلایل توجه جهان به این اقیانوس است. همچنین ۴۰ درصد از نفت خام جهان از این منطقه به دست می‌آید. حضور سه قدرت هسته‌ای پاکستان، هند و ایران در همجواری این اقیانوس است. در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ میلادی اقیانوس هند ناامن‌ترین اقیانوس از سوی سازمان دریانوردی بین‌المللی یاد شده است. (Ahmadi nohandani & Kavandi kateb,2010:138)



نقشه شماره ۱) اقیانوس هند Source: <http://www.japanfocus.org/data/indianoceanarea.jpg>

اقیانوس هند دارای ۵ زیر سیستم است که ایران در کانون محوری آن قرار دارد. این زیر سیستم‌ها عبارتند از:

- ۱- شبه قاره هند.
- ۲- خاورمیانه عربی.
- ۳- خلیج فارس و دریای عمان.
- ۴- قفقاز.
- ۵- آسیای مرکزی.

اهمیت آسیای جنوبی برای اتحاد جماهیر شوروی سابق دارای همان الزامات خاورمیانه، آفریقای زیر صحرا و آسیای جنوب شرقی نبود، ولی منطقه مذکور در این مرحله بیش از گذشته به مناقشات جنگ سرد کشیده شد. (Cohen, 2008: 168) اما حضور مستمر ناوهای جنگی آمریکا و حساسیت سایر کشورهای بزرگ به ویژه چین و کشورهای اروپائی به حفظ صلح و ثبات در منطقه همگی نشان‌دهنده اهمیت این آبراه بین‌المللی در زمان کنونی می‌باشد. با توجه به اهمیت تنگه هرمز و خلیج فارس به نظر می‌رسد در صورت بروز هرگونه چالش، آغاز رویارویی استراتژیک در اقیانوس هند و دریای عمان خواهد بود نه در خلیج فارس و مدخل تنگه هرمز. از این رو می‌بایست نگاه ویژه‌ای به اقیانوس هند و دریای عمان داشت.

برخی از صاحب نظران روابط بین الملل و استراتژیست‌های جهان معتقدند که آمریکا پس از فروپاشی شوروی، تنها کشوری است که قادر به انجام عملیات نظامی گسترده و مؤثر در اقصی نقاط دنیا است. اما در هر حال قدرت نظامی آمریکا آسیب پذیر است. اول اینکه ارتش آمریکا باید قادر باشد هرگونه مقابله در هر نقطه از جهان را پوشش دهد و لذا باید همواره در وضعیت آمادگی جنگی دائمی قراربگیرد. دوم اینکه ارتش آمریکا ممکن است از توانایی لازم برای مقابله با قدرت‌های متعارف نظامی برخوردار باشد اما جنگ‌های پارتیزانی و چریکی ضعیف نشان داده است. سوم اینکه تلفات و خسارات نظامی و خسارات نظامی آمریکا در نقاط مختلف جهان دارای عواقب و پیامدهای نامطلوبی در نزد افکار عمومی داخلی آمریکا می‌باشد و چهارم اینکه ارتش آمریکا برای انجام این وظیفه بزرگ، از نظر عده کوچک است و نیاز به سر بازگیری گسترده در داخل دارد که هزینه سیاسی زیادی را برای این کشور در سطح ملی دارد از طرف دیگر آمریکا برای حفظ هژمونی خود نیازمند شبکه وسیعی از پایگاه‌های نظامی می‌باشد و این در حالی است که آمریکا ۳۵ درصد از پایگاه‌های خود در دوران جنگ سرد را بسته و آنها را به مناطق بحران خیز و بی ثبات منتقل نموده است.

استراتژیست‌های نظامی براین نکته تاکید می‌نمایند که آمریکا برای پر کردن خلاء پایگاه‌های نظامی خود در حد فاصل پایگاه دیه گو گارسیا در اقیانوس هند تا اوکیناوا ژاپن در اقیانوسیه، به هندوستان نیاز دارد. علاوه بر آن با توجه به گسترش تهدیدات در منطقه آسیا، آمریکا نیاز به پایگاه‌های بیشتری در آسیا دارد. موقعیت استراتژیک هند در مرکز آسیا و قرار گرفتن آن بین خاورمیانه و شرق آسیا، بر جذابیت‌های کشور نزد ارتش آمریکا افزوده است. استراتژی ایالات متحده در اقیانوس هند مبتنی بر حفظ اتحاد با کشورهای شرق آسیا، متعهد بودن به تایوان و نیز پرورش همکاری‌های استراتژی با هند است. (Green & Shearer, 2012: 187) نیروی دریایی آمریکا به مناطق بی طرفی در این منطقه نیاز دارد تا بتواند از حمایت‌های لجستیکی آن در عملیات‌های نظامی در خاورمیانه بهره مند گردند و کشور هند از این موقعیت برخوردار است. جزیره دیگوگارسیا دیگر موقعیت استراتژیک این اقیانوس محسوب می‌شد.

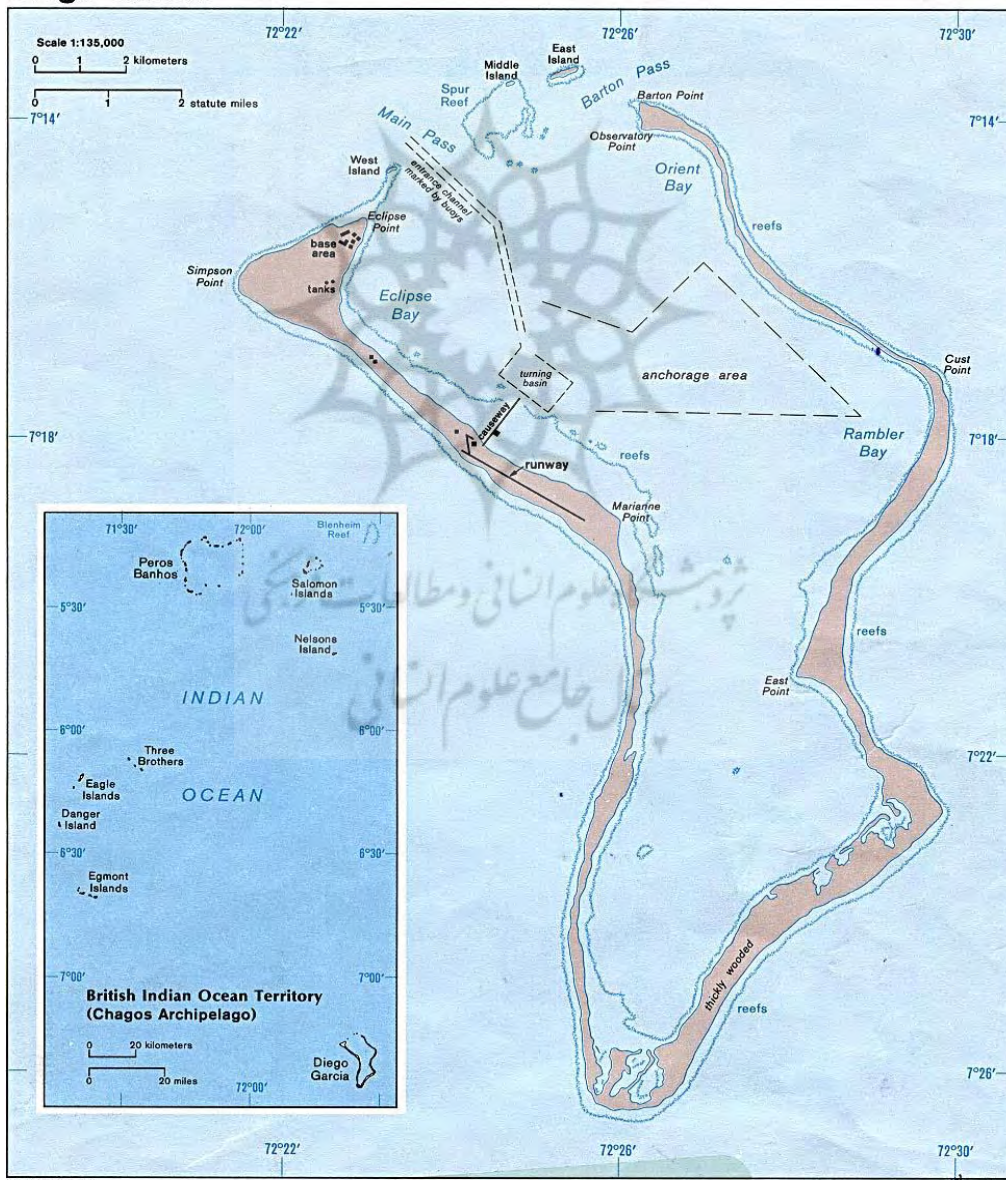
این مجموعه شامل شش جزیره مرجانی و ۱۰۰۰ جزیره کوچک با مجموع مساحتی معادل ۶۰ کیلومترمربع (۲۳ مایل مربع) می‌باشد. بزرگترین جزیره دیه گو گارسیا نام دارد (مساحت ۴۴ کیلومتر مربع) که محوطه مشترک نظامی آمریکا و انگلیس است. بعد از اخراج بومی‌ها تنها جمعیت این جزایر نیروهای نظامی آمریکا و انگلستان است که در حدود ۴۰۰۰ نفر (آمار ۲۰۰۴) هستند. نقشه شماره ۲ موقعیت جزیره دیگو گارسیا را نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۱: دیگو گارسیا

Source: http://web.mst.edu/~rogersda/military_service/Diego%20Garcia%20Base.jpg

Diego Garcia



نقشه شماره ۲: موقعیت جزیره دیگو گارسیا Source: https://www.lib.utexas.edu/maps/islands_oceans_poles/diego_garcia_pol80.jpg

یافته‌های تحقیق

- ایران در همسایگی اقیانوس هند

جمهوری اسلامی ایران بخش مهمی از منطقه آسیای جنوب غربی است که به صورت یک منطقه پنج ضلعی در محدوده مرزهای غربی هند و چین و مرزهای جنوبی روسیه و مرزهای شرقی اروپا و آفریقا و در شمال اقیانوس هند قرار گرفته است این منطقه دارای پنج زیر سیستم (شبه قاره هند، خاور عربی، خلیج فارس و دریای عمان، قفقاز و آسیای مرکزی) می‌باشد که ایران در کانون محوری قرار دارد و با دو حوزه تمدنی ایرانی و اسلامی در هر پنج زیر سیستم، دارای پیوستگی راهبردی است که با توجه به جایگاه خود در ای منطقه، می‌تواند کانون هژمونیک یک نظم منطقه‌ای باشد. بنابراین، ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای می‌بایست وضعیت محیطی و اولویت‌های خود را در ارتباط با نظام بین الملل و سیستم منطقه‌ای مشخص سازد تا بتواند به عنوان کانون برتر منطقه‌ای ایفای نقش کند.



نقشه شماره ۳ موقعیت جغرافیایی کشور ایران، خلیج فارس و دریای عمان
Source: <http://www.geographicguide.net/asia/maps/middle-east.jpg>

زیر سیستم خلیج فارس و دریای عمان از نظر ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوفرهنگی از اولویت بالاتری در مقایسه با زیر سیستم‌های پنج گانه فوق برخوردار است. از منظر ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک این زیر سیستم در منطقه حساس اقیانوس هند می‌باشد که در مسیر مهم‌ترین خطوط ارتباط شرق و غرب است قرار دارد و محل تلاقی راه‌های مواصلاتی از طرف دریای عمان و بحر احمر به شمال و شرق آفریقا و اروپاست. واقع شدن در ابتدای راه‌های حوزه خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و واقع شدن در نزدیکی مرزهای جنوب روسیه، نقش ارتباطی کشور محصور در خشکی آسیای مرکزی جهت اتصال به آب‌های آزاد و اتصال آن به زیر سیستم شبه قاره از طریق دریای عمان و نقش آن در تأمین نیازهای آینده کشورهای چین و هند به انرژی از این طریق و همچنین وجود دو نقطه از شانزده نقطه استراتژیک جهان (تنگه هرمز، جزیره تنب بزرگ و ابوموسی) در این زیر سیستم خلیج فارس و دریای عمان است. وجود منابع غنی نفت و گاز و سایر منابع انرژی و منابع کافی و مواد خام و نیز بازار مصرف این زیر سیستم را از اهمیت بالایی برخوردار ساخته است. از طرفی نیاز روزافزون کشورهای آسیایی از جمله هند، چین و ژاپن به نفت خلیج فارس و اهمیت این منطقه از حیث ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک افزوده است. در نظم نوین مورد نظر آمریکا نقش مهمی که منابع نفتی می‌تواند در کنترل رقبای آمریکا (نایب هژمون‌ها)^۱ از جمله چین، روسیه، اروپا و حتی هند ایفاء کند، اهمیت ژئواستراتژیک این زیر سیستم را دو چندان کرده است. ضمن اینکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای سعی در اجرای الگوهای امنیتی بدون مشارکت ایران دارند، سوابق تاریخی حاکی از آن است که اجرای هر الگوی امنیتی در منطقه بدون مشارکت ایران با شکست مواجه خواهد شد. (Abasi Ashleghi, 2008: 121) رویکرد راهبردی ج.ا. ایران به سمت اقیانوس هند و دریای عمان از الگوهای امنیتی بسیار شاخص و موفق برای کنترل و حفظ امنیت خلیج فارس نیز خواهد بود.

– جایگاه ژئواستراتژیک بندر چابهار در دریای عمان و اقیانوس هند

با توجه به مراتب فوق می‌توان اینگونه استنباط نمود که اگر روزی مسئله امنیت نظامی منطقه مورد تهدید قرار بگیرد، نقش قدرت‌های دریایی و برخوردارای از قدرت عملیات دریایی برجسته می‌گردد. یک قدرت دریایی نیز زمانی قدرت عملیاتی دارد که برای رفع نیازهای دریایی برجسته می‌گردد. یک قدرت دریایی نیز زمانی قدرت عملیاتی دارد که برای رفع نیازهای لجستیکی خود از پایگاهی در ساحل که دارای عمق استراتژیک است، برخوردار باشد. در واقع این پایگاه ساحلی است که پشتوانه یک قدرت دریایی بشمار می‌آید و در این اینجاست که نقش چابهار برای امنیت اقیانوس هند اهمیت پیدا می‌کند. چابهار به سبب برخورداری از موقعیت «خلیج در خلیج» ایفای نقطه بازرسی دریایی و قرارگاه مدیریت عملیات و رزم و دریایی - خشکی برخوردار است تنگه هرمز به دلیل اینکه فاقد عقبه استراتژیک می‌باشد، از میزان آسیب پذیری بالایی در مقایسه با چابهار به دلیل موقعیت پیش گفته، برخوردار است.

^۱) They Are Deputy Of The USA In The Town



نقشه شماره ۴، جایگاه بندر چابهار در دریای عمان

Source: maps.google.com

با توجه به اهمیت تنگه هرمز و خلیج فارس، به نظر می‌رسد که در صورت بروز جنگ احتمالی بین ایران و آمریکا تحت هر عنوان، آغاز رویارویی استراتژیک دو طرف در اقیانوس هند و تا حدودی دریای عمان خواهد بود و نه در خلیج فارس و مدخل تنگه هرمز. هر چند ممکن است در ادامه، این رویارویی به تنگه هرمز و خلیج فارس نیز به عنوان زیر سیستم و شاخک استراتژی عملیات نظامی کشیده شود. زیرا تحولات جدید باعث تغییر ماهیت مداخله سطح جهانی و توزیع قدرت محلی شده است. (Buzan & Waever, 2009: 115)

لذا در این تحقیق سعی در آن است تا فرضیه جدیدی، مبنی بر اینکه ایران با توجه به موقعیت ممتاز برشمرده فوق، می‌بایست علاوه بر توسعه تجهیزات نظامی خود در آب‌های داخلی خلیج فارس، به توسعه بیش از پیش و توجه استراتژیک به بندر چابهار و تجهیزات نظامی خود در این بندر و دریای عمان همت گمارد، ارائه شود تا در صورت بروز مشکلات احتمالی به راحتی بتواند پاسخگوی نیازهای پشتیبانی نیروهای نظامی خود در اعماق استراتژیک اقیانوس هند باشد. این مهم همچنین موجب باز تعریف و باز شناسی موقعیت جایگزین برای اهمیت استراتژیک تنگه هرمز، در این شرایط بحران خواهد بود. در شرایط بحران خواهد بود. لذا بنادر چابهار و جاسک و همچنین لزوم

تمرکز بروی ایجاد پایگاه‌های جدید نظامی در دریای عمان از دیگر مفروض‌هایی می‌باشد که تحقیق، در صدد پرداختن به آن می‌باشد.

جایگاه استراتژیک ایران اقتضا می‌نماید تا توسعه دریایی را چه به لحاظ اقتصادی و یا سیاسی و نظامی مد نظر قرار دهد. زیرا در اولویت اول ایران به عنوان بخشی از استراتژی بحری محسوب می‌گردد. ایران بر تنگه هرمز و خلیج فارس که بزرگترین محل حمل و نقل انرژی جهان است اشراف داشته که این موضوع خود سبب می‌گردد تا اقدامات ایران در این عرصه بر روند تأمین امنیت انرژی جهان تاثیرگذار باشد. همچنین از سوی دیگر سواحل طولانی ایران در خلیج فارس و دریای عمان به همراه نقش کلیدی جزایر ایرانی از دیگر دلایل توسعه ناوگان دریایی ایران در این منطقه است. تحقق منزلت ژئوپلیتیک ایران اقتضاء می‌کند با توجه به توسعه صنایع تولید تجهیزات نظامی و نیز مطالبات افکار عمومی جمهوری اسلامی ایران بتواند از منافع ملی ایران در مناطق دریایی به ویژه در دریا‌های سرزمینی و نیز مناطق دریایی آزاد پیرامونی دفاع نماید. از این رو سیاست‌های دریایی ایران در چند ساله اخیر، رو به جلو حرکت نموده که به عنوان نمونه می‌توان از حضور ناوگان نظامی ایران در دریای عدن نام برد.

- کرانه‌های ساحلی دریای عمان (ساحلی در حاشیه)

کرانه‌های ساحلی دریای عمان ۷۶۲ کیلومتر امتداد دارد. (Armed forces Geographical Organization, 2010:39) کرانه‌های شهرستان‌های چابهار و کنارک از منظر موقعیت جغرافیایی و طبیعی، موقعیت نسبی، ژرفای آب‌های ساحلی، تعدد خورها، نزدیکی بدون واسطه به بنادر اصلی آسیا و ده‌ها امتیاز دیگر، بهترین ساحل ایران به ویژه از نقطه نظر تجارت و بازرگانی بین‌المللی، شیلات و صنایع دریایی است. این ساحل طولانی در حال حاضر به دلیل پرت بودن، دورافتادگی، در حاشیه بودن و نیز ضعف زیربنای سیستم حمل و نقل به ویژه راه ریلی هنوز نتوانسته است نقش مناسبی به عهده بگیرد. روستاهای پراکنده ساحلی از گواتر تا سدیچ و گابریک، حول محور ماهیگیری و تجارت غیرقانونی به حیات خود ادامه می‌دهند. چابهار به عنوان بزرگترین کانون بندری در خاور بندر عباس، مرکز ثقل فعالیت‌های متنوع و کوچک مقیاسی است که به رغم سرازیر شدن سرمایه‌های ملی به سوی آن هنوز نتوانسته است نقشی همانند بندر عباس و بندر امام بیافریند (Karimipour, 2009:136).

با وجود وابستگی و پیوستگی و نزدیکی جغرافیایی خلیج فارس و دریای عمان، دریای اخیر و سواحل پیرامونی آن از نقطه نظر ملاحظات ژئواستراتژیک آرام‌تر، با ثبات‌تر و امن‌تر باقی مانده است. به ویژه تا آنجا که به کرانه‌های مکران بر می‌گردد، به دلیل پرت بودن، دورافتادگی و در حاشیه ماندن این ساحل نسبت به مراکز ثقل سیاسی و جمعیتی ایران به عنوان سرپل برای نفوذ عمقی مورد استفاده بیگانگان قرار نگرفته است. طولانی بودن مسیر، ضعف زیربنای حمل و نقل، به ویژه نبود شبکه ریلی و درجه دو بودن راه‌های شوسه منتهی به این کرانه، دلایل دیگری بر بهره‌برداری نکردن گسترده برای نفوذ به داخل ایران از ناحیه تهدیدهای دریایی بوده است. در سناریوهای گوناگونی که برای تهدید نظامی جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده مطرح می‌شود، کرانه‌های این دریا به اعتبار ملاحظات جغرافیای نظامی، نمی‌تواند به عنوان سرپل نفوذی به داخل فلات مورد بهره‌برداری جدی قرار گیرد. بنابراین میزان امنیت این کرانه نسبت به کرانه‌های خلیج فارس بسیار بالاتر است. امنیتی که تاکنون مرهون پرت بودن و دورافتادگی آن است. بنا به ملاحظات ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، میزان ریسک هر نوع

سرمایه‌گذاری دراز مدت در کرانه‌های خزر و عمان به مراتب کمتر از کرانه‌های خلیج فارس به ویژه بندر عباس تا خور موسی است.

- جایگاه قدرت دریایی ایران در دریای عمان و اقیانوس هند

میل و کشش قوای استراتژیک دریایی دولت‌ها همواره به سمت کرانه‌هایی است که بیشترین تهدید در آنجا متمرکز شده است. کشورهایی که به نحوی دارای مرزهای دریایی هستند، به ناچار باید با امکانات پدافند دریا و شیوه‌های عمل آن به صورت تخصصی آشنا باشند. زیرا هر دشمنی برای تصرف خاک طرف مقابل خود مجبور است در دریا، نیروی او را از بین ببرد، پدافند سواحل را درهم بشکند و در خاک او نیرو پیاده کند. بنابراین نباید در سواحل به انتظار دشمن بود، بلکه باید او را در دریا درهم شکست، یا سازمان او را طوری برهم زد که قدرت رسانیدن خود را به ساحل از دست بدهد. (Ezzati,1989:20) نیروهای دریایی سه وظیفه کلاسیک بر عهده دارند:

۱- اعمال قوانین عادی دولت‌ها در آب‌های ساحلی.

۲- مانور برای آمادگی.

۳- جنگ یا دیپلماسی.

اما دولت‌های ساحلی که دارای نیروی دریایی هستند، به دلیل امکانات محدود و تعریف شده برای این نوع سازمان نظامی، تمایل دارند تنها در مناطق و محورهای قوای استراتژیک خویش را به صورت نهادی و دائمی گسترش دهند که تهدید بیشتری از آن سو درک می‌شود. به ویژه آنکه تهیه، نگهداری و مانور نیروهای دریایی نسبت به دو نیروی دیگر بسیار پرهزینه‌تر، ظریف‌تر و فناورانه‌تر می‌باشد.

از سوی دیگر لازمه حضور نهادینه شده و دائمی نیروهای دریایی و پشتیبان آن به ویژه نیروی هوایی و قوای هوا-دریا، نیازمند اشغال فضاهای گسترده و گرانهای ساحلی است. در عین حال حتی در شرایط غیر جنگی میان شمار مانورها و آزمایش و تحقیقات معمول این قوای آمادگی و میزان تخریب‌های ساحلی ارتباطی مستقیم برقرار است. بنابراین تمیز سواحل از نقطه نظر نوع امنیت حاکم بر آنها برای تصمیم‌سازی‌های کلان ملی کلیدی است. برای دستیازیدن به چنین مهمی باید استراتژی دریا محوری ایران جایگزین استراتژی خشکی محوری شود. از این رو دریای عمان و اقیانوس هند بهترین بستر برای رسیدن به این هدف است. این استراتژی برای ایران چنان اهمیتی دارد که علاوه بر ایجاد امنیت و موازنه در اقیانوس هند، ارتقاء سطح اقتصادی (اعم از ترانزیت، انرژی و صید) را هم شامل می‌گردد.

ساحل مکران با محوریت خلیج چابهار و منطقه کنارک، در طرح‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران سکویی برای نفوذ و حتی چیرگی بر اقیانوس هند می‌بایست به شمار رود. این در حالی است که در طرح کالبدی ملی ایران به ۱۰ منطقه برنامه ریزی تقسیم شده است. سواحل دریای عمان در این طرح جزء منطقه جنوب شرق (کرمان و سیستان و بلوچستان) دیده شده که موید رویکرد خشکی محوری است (Afshordi & Nozari, 2010:79).

سکویی که از یک سو می‌بایست تضمینی قوی‌تر برای امنیت صادرات نفت خام از خلیج فارس و تنگه هرمز باشد و از سوی دیگر بستری را برای نفوذهای فرا منطقه‌ای ایران تدارک ببیند. در این رویکرد وظیفه ذاتی این ساحل

محدود به پشتیبانی در حفظ و تأمین جناح و ساحل غربی یعنی خلیج فارس نیست بلکه نگاهی فرامنطقه‌ای داشته و با محوریت ژئواستراتژی اقیانوس هند تعامل خواهد نمود.

وظیفه حفظ و ارتقاء سطح دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دریای عمان از سوی فرماندهی معظم کل قوا به نیروی دریایی ارتش محول شده است. از این رو مقام معظم رهبری نیروی دریایی را نیروی راهبردی برای کشور معرفی نموده‌اند که بیانگر این وظیفه خطیر است.

در کرانه‌های گسترده‌ای که از خلیج گواتر آغاز و تا باختر شهرستان جاسک کشیده می‌شود، چونان دیگر کرانه‌های جنوب با مقیاسی کوچک‌تر قاچاق کالا و مواد مخدر در ابعاد گوناگون آن در جریان است. علاوه بر این، مسئله ورود شناورهای صیادی پاکستانی به حریم دریایی ایران، قاچاق آبزیان، درگیری‌های قومی و دست جمعی نیز گاه بستری برای مسائلی در مقیاس محدود و محلی می‌شود، اما واقع مطلب آن است که مشکل پایه‌ای و اساسی این کرانه‌ها، عقب ماندگی‌های همه جانبه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که در قالب ضعف زیربنای حمل و نقل، بهداشت و درمان، آب و برق و گاز و تلفن (خدمات زیربنایی) زیر ساخت‌های صنعتی، کار و آموزش خود را نشان می‌دهد.

گسترش بنادر در سواحل دریای عمان، همزمان با تقویت و توانمند ساختن زیربنای حمل و نقل به ویژه ایجاد شبکه ریلی، ضرورتی انکار ناپذیر برای دسترسی ایران به بازارهای دو میلیارد نفری اقیانوس هند محسوب می‌شود. بازاری که آینده‌ای پر رونق برای آن پیش بینی شده است. در همین راستا پاکستان و چین تعاملاتی در این مورد از خود نشان داده‌اند. ساخت تجهیزات بندر گواتر پاکستان توسط چینی‌ها سمبل و نماد حضور چین در اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس است. قرارداد توسعه این بندر در پاکستان در آوریل سال ۲۰۰۵ میلادی به امضاء رسید این قرار داد در واقع بخشی از تلاش‌های فزاینده چین در جهت ساختن یک زنجیره طلایی در این منطقه هستند (Shafiei & Faraji, 2008: 130).

با نگاهی اجمالی به تفاوت‌های سه کرانه دریایی ایران، وضعیت فعلی دریای عمان در دسته بندی جدول شماره ۲ نمایان می‌گردد:

جدول شماره ۲: تفاوت‌های سه کرانه دریایی ایران

مسائل مختلف	خلیج فارس	خزر	عمان
فضای استراتژیک پیرامونی	دریای جنگ	امنیت تاریخی/در حال گذار	پرت و در حاشیه
پراکنش نیروهای نظامی	گسترده، فشرده و دارای مقیاس استراتژیک	بسیار محدود و محلی	پشتیبان خلیج فارس
مسئله اصلی	قاچاق کالا	درهم ریختگی و نابسامانی	عقب ماندگی تاریخی
نقش و جایگاه بازرگانی	ملی و بین‌المللی	محدود	محدود
کارکرد اصلی	نفتی / گازی/بازرگانی/ تجاری/ ماهیگیری	کشاورزی/ گردشگری	تعریف نشده
تراکم نسبی جمعیت	خلوت با تراکم پائین	در حال اشباع	خلوت تا تهی/ بسیار پائین

Source: Authors

میان سه کرانه دریایی ایران تفاوت‌های گوناگونی از منظر شاخص‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و استراتژیک وجود دارد. هر برنامه‌ریزی جامع محیطی به ویژه طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، ناگزیر به درک و شناخت این تفاوت‌های ژرف و برخی تشابهات میان آنهاست.

- دیدگاه راهبردی ایران در اقیانوس هند

امروزه منطقه اقیانوس هند با قرار گرفتن در بین اقتصادهایی با جهش بالا در جنوب، جنوب شرق و شرق دور و منطقه غنی از نفت خلیج فارس، موقعیت استراتژیکی را برای سهولت بخشیدن به مقدار زیاد تجارت در این عرصه ارائه می‌دهد (Pishgahifard & Khaniha, 2010:163) از سوی دیگر خلیج فارس به عنوان یکی از شاخک‌های عملیاتی ژئواستراتژی اقیانوس هند تلقی می‌شود لذا نقش کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان در این میان برجسته می‌شود. علاوه بر اهمیت ذاتی خلیج فارس و دریای عمان، راهبردهای منطقه‌ای ایران در این حوزه و نیز اقیانوس هند در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی می‌تواند در راستای تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران ایفای نقش نماید.

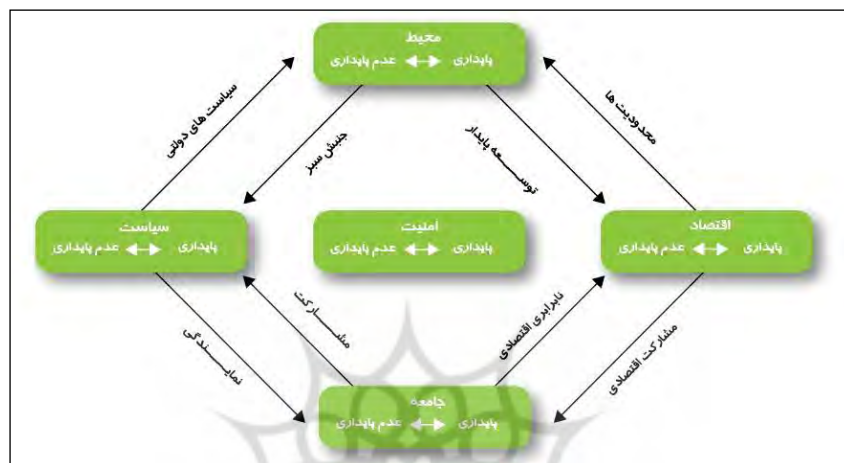
همچنین کشورهای هند و چین نیز از ظرفیت‌های این اقیانوس در راستای توسعه تبادلات تجاری خود با کشورهای جهان استفاده می‌کنند. این در حالی است که رقابت‌های دیرینه این دو کشور نیز بر این تعاملات اقتصادی سایه افکنده است. اما آنچه که در این میان حائز اهمیت است حضور نظامی ایالات متحده به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای در این حوزه ژئواستراتژیک است همانطور که که قبلاً نیز اشاره شد، تأمین امنیت مسیرهای تجاری از اولویت‌های استراتژیک ایالات متحده می‌باشد از این رو استقرار در جزیره دیگو گارسیا از سوی می‌تواند برای تأمین امنیت تجارت دریایی محسوب شود و از سوی دیگر تأمین امنیت شاخک‌های حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند از جمله خلیج فارس مورد نظر ایالات متحده می‌باشد. این در حالی است که تعارضات در سیاست‌های دو کشور ایران و ایالات متحده خود عاملی برای عدم انطباق سیاست‌های دو کشور در این منطقه است. به عبارتی ایالات متحده فعالیت‌های ایران را یکی از عوامل بی ثباتی در منطقه می‌داند و جمهوری اسلامی ایران نیز حضور نیروهای فرامنطقه‌ای را متزلزل کننده منطقه می‌داند.



نقشه شماره ۵) نقشه زیرسیستم‌ها و سیستم‌های منطقه‌ای پیرامونی در اقیانوس هند

Source: Rumley, 2013:11

برای درک تعاملات در این حوزه ژئواستراتژیک باید ابتدا سیستم‌ها و زیرسیستم‌های مرتبط با آن را شناخت، ساختار ژئواستراتژیک اقیانوس هند بر گرفته از زیر سیستم‌ها و سیستم‌های پیرامونی، آسیای جنوبی، خلیج فارس، شاخ آفریقا، آفریقای شرقی، آفریقای جنوبی، جزایر جنوب غربی اقیانوس هند، جزایر جنوبی و منطقه انتحاصاری اقتصادی، آسیای جنوب شرقی، حوزه آسیا پاسفیک، پاسفیک جنوبی، آسیای مرکزی و آفریقای مرکزی می‌باشد. این گسترده وسیع که در بر گیرنده کشورهای مختلف است زمینه‌های وسیعی از متغیرها اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی محیطی را متوجه تعاملات خواهد نمود.

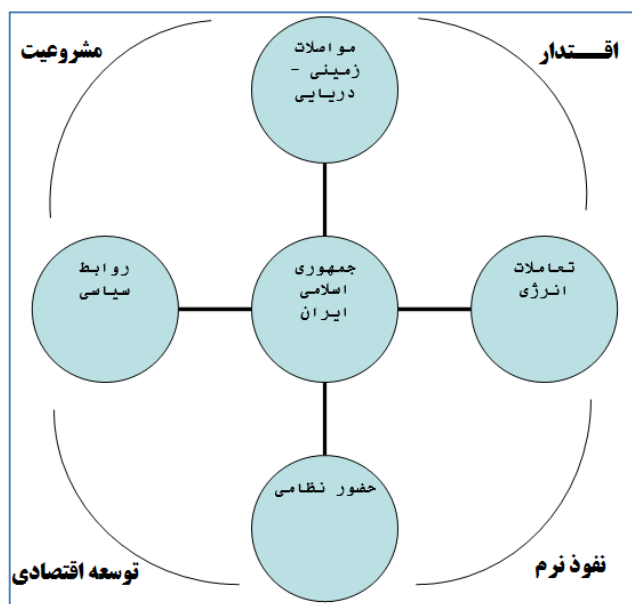


شکل ۱) عوامل بنیادین امنیت چند بعدی در حوزه اقیانوس هند

Source: Rumley, 2013:16

جمهوری اسلامی ایران، در این حوزه می‌تواند یا به عنوان یکی از بازیگران در استراتژی بحری ایالات متحده نقش آفرینی کند که با توجه به مباحث بیان شده همواره تلاش دارد تا مرز مشخصی با این سیاست‌ها اتخاذ نماید و یا اینکه به منظور ارتقای قدرت منطقه‌ای خود در راستای ایجاد ثبات نظیر مبارزه با دزدان دریایی و یا تأمین امنیت مسیرهای مبادلات اقتصادی نقش آفرین باشد. بدین منظور ارتباط با کشور هند یکی از مهمترین اصول این راهبرد می‌تواند منظور نظر قرار گیرد. زیرا هند در راستای دسترسی به زیر سیستم آسیای مرکزی و خلیج فارس نیاز به همکاری مستقیم ایران دارد. با توجه به دشمنی دیرینه هند و پاکستان، نزدیک شدن هند به ایران، چه از بحث مشارکت در توسعه ریلی و نیز تبادلات با بندر چابهار، به منظور دسترسی به بازارهای منطقه آسیای مرکزی می‌تواند زمینه‌های اقتصادی مشترک را افزایش دهد. در این میان توجه به شکل ۱ به عنوان عوامل بنیادین امنیت چند بعدی می‌تواند الگویی از روابط منطقه را در این حوزه پایه ریزی نماید. بر این اساس مدل راهبردی ایران در اقیانوس هند را می‌توان به شکل زیر تقسیم بندی کرد:

۱- ایجاد مشروعیت و دفاع از آب‌های سرزمینی با ارتقای قدرت دریایی که تجلی آن را می‌توان در دستگیری ملوانان امریکایی و نیز مقابله با دزدان دریایی ملاحظه نمود. هر چند که ایران تلاش می‌کند این قدرت را فراتر از قلمروهای خود اعمال نماید اما این ایجاد مشروعیت از سوی دیگر در راستای اعمال قدرت نرم ایران می‌باشد.



شکل ۲) مدل راهبردی جایگاه ایران در حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند

Sources: authors

۲- ایجاد تعاملات سیاسی و اقتصادی با کشورهای حوزه اقیانوس هند با بهره مندی از منابع انرژی می‌تواند نقش بیشتری به ایران برای بازی در تعاملات حوزه اقیانوس هند دهد. ایجاد ارتباطات با کشورهای سریلانکا، پاکستان، کنیا، جیبوتی و آفریقای جنوبی علاوه بر ارتقای جایگاه ایران در منطقه برخی دیگر از سیاست‌های ایران را به ویژه در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای تحت پوشش حمایتی قرار می‌دهد. در واقع این مساله می‌تواند پوشش دهنده سیاست‌های نرم جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب گردد.

۳- حضور ایران در اقیانوس هند از سویی به عنوان یک عضو مهم این منطقه نشأت گرفته از منابع انرژی آن و نیز به عنوان یک شریک استراتژیک برای کشورهای منطقه می‌تواند قلمداد گردد. استفاده ایران از دیپلماسی به افزایش نفوذ منطقه‌ای این کشور سرعت داده و حضور نیروی دریایی ایران در منطقه با تمرکز بر عملیات ضد دزدی دریایی و جبهی از مشروعیت را برای پذیرش بیشتر نقش استراتژیک این کشور در آینده متصور می‌سازد.

۴- استفاده از بنادر استراتژیک به ویژه چابهار به منظور برقراری و تقویت تعاملات اقتصادی از دیگر راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشد که می‌تواند زمینه توسعه اقتصادی را با ایجاد محور آسیای مرکزی-افغانستان-چابهار برای کشورهای منطقه به همراه داشته باشد.

جمع‌بندی و نتیجه گیری

نقش آفرینی در حوزه اقیانوسی برای کشوری چون ایران که ماهیتاً دارای موقعیت بحری می‌باشد، ضروری است. اگرچه با توجه به گرایش قدرت بری در بازیگری ایران در جهت منافع روسیه، کمتر به حوزه قدرت دریایی در استراتژی جمهوری اسلامی ایران توجه شده است اما وجود بنادر مهم و استراتژیک و نیز نقش تجارت دریایی در اقتصاد کشور، مدتی است که به موضوع قدرت دریایی در استراتژی این کشور پرداخته شده به نحوی که نیروی دریایی ایران در تلاش برای نقش آفرینی در حوزه آب‌های پیرامونی و فرا پیرامونی خود می‌باشد. قطعاً با توجه به اینکه آب‌های ایران در جنوب کشور جزئی از منطقه ژئواستراتژیک اقیانوس هند محسوب می‌شود بنابراین هرگونه

کنش و واکنشی نیز در این حوزه سیاست‌های ایران را تابع خود خواهد نمود. گرایش بیش از پیش آمریکا به هندوستان برای پر کردن خلاء پایگاه‌های نظامی خود در حد فاصل پایگاه دیه گو گارسیا در اقیانوس هند تا اوکیناوا به دلیل قرار گرفتن آن بین خاورمیانه و شرق آسیا از ویژگی‌های برجسته ژئواستراتژیکی اقیانوس هند محسوب می‌شود. زیر سیستم خلیج فارس و دریای عمان از نظر ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر از اولویت بالاتری در مقایسه با زیر سیستم‌های پنج گانه ذکر شده برخوردار است. از منظر ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک این زیر سیستم در منطقه حساس اقیانوس هند می‌باشد که در مسیر مهم‌ترین خطوط ارتباط شرق و غرب است قرار دارد و محل تلاقی راه‌های مواصلاتی از طرف دریای عمان و بحر احمر به شمال و شرق آفریقا و اروپاست.

در نظم نوین مورد نظر آمریکا نقش مهمی که منابع نفتی می‌تواند در کنترل رقبای آمریکا (نایب هژمون‌ها) از جمله چین، روسیه، اروپا و حتی هند ایفاء کند، اهمیت ژئواستراتژیک این زیر سیستم را دو چندان کرده است. نگاه راهبردی ایران می‌تواند ضمن ایجاد امنیت پایدار حالت موازنه را در اقیانوس هند فراهم سازد. اما به دلیل اینکه ایران در این حوزه بازیگر جدیدی محسوب می‌شود، باید بسیار دقیق وارد عمل شود. از این رو توجه به سواحل دریای عمان برای ج.ا.ایران بسیار حائز اهمیت خواهد بود. این در حالی است که کرانه‌های دریای عمان از گواتر تا خاور جاسک و سیریک نه تنها کمتر توسعه یافته‌ترین کرانه دریایی ایران است بلکه بر پایه شاخص‌های همه جانبه توسعه اقتصادی-اجتماعی، عقب افتاده‌ترین ناحیه ایران به شمار می‌رود. از این رو ایران می‌بایست طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی برای دسترسی به هدف‌های خود مبنی بر ساماندهی ساحل‌های کشور، را در صدر اولویت‌های خود قرار دهد. به نظر می‌رسد در کوتاه مدت راهبرد دریایی جدید تهران و افزایش حضور ناوگان دریایی ایران در مناطق مختلف و تلاش تهران برای تغییر موازنه دریایی در حاشیه شمالی اقیانوس هند و مناطق پیرامونی با واکنش سرد و حساسیت کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌ای مواجه شود اما واقعیت این است که در بلند مدت این کشورها مجبورند قدرت دریایی ایران را به عنوان یک مؤلفه جدید در توازن قوای منطقه‌ای بپذیرند (Taheri benchri, 2011).

همانطور که اشاره شد مدل راهبردی ایران در حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند می‌بایست بر آمده از برنامه ریزی‌های منطقه‌ای با در نظر گرفتن ژئواستراتژی جهانی باشد. بدین ترتیب یافتن نقش منطقه‌ای برآیندی از نقش آفرینی در حوزه کلان می‌باشد بنابراین برنامه ریزی راهبردی ایران در این منطقه می‌بایست معطوف به تأمین امنیت دریایی، مشارکت در استقرار امنیت مسیرهای دریایی، پیمان‌های اقتصادی و در نهایت گسترده کردن قلمروهای قدرت نرم در کشورهای حاشیه اقیانوس هند به ویژه هندوستان باشد. بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به موارد مطرح شده و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای می‌تواند با تکیه بر توانمندی‌های زیرسیستم خلیج فارس و دریای عمان و نیز مؤلفه امنیت مشترک گام سازنده‌ای را جهت ایجاد منافع همه جانبه در این حوزه ژئواستراتژیک بردارد.

در نتیجه با توجه به مسائل ژئواستراتژی اقیانوس هند و نگاه راهبردی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌گردد که موارد ذیل در الویت قرار گیرد:

- ۱- احداث اسکله‌های جدید نظامی و نوسازی اسکله‌های قدیمی در نقاط مختلف با رعایت اصول پدافند غیر عامل.
- ۲- تقویت امور لجستیک با رعایت اصول پدافند غیر عامل.
- ۳- گسترش فرآیند تقویت مرزبانی.
- ۴- حضور و استقرار ناوچه‌های سریع‌السیر و مجهز به امکانات الکترونیکی.
- ۵- استقرار پایگاه‌های هوایی در چند نقطه و تشدید کنترل‌های دریایی با دستگاه‌های مدرن.
- ۶- گسترش سازمان‌ها و نهادهای ویژه جمع‌آوری اطلاعات و اخبار مستمر از وضعیت مرزها.
- ۷- گسترش کنش‌ها، مانورها و ساخت و سازهای نظامی در درازای ساحل.
- ۸- حضور ناوهای ایرانی در دریا‌های آزاد از جمله اقیانوس هند به منظور تأمین امنیت کشتی‌های ایرانی
- ۹- توسعه حضور و نقش آفرینی در اقیانوس هند به منظور برقراری تعاملات دریایی با کشور هندوستان
- ۱۰- توسعه بندرگاهی بندر چابهار به منظور ایجاد نقطه مواصلاتی اقتصادی میان کشور ایران، افغانستان و پاکستان

منابع

- Abasi ashleghi, M. (2008) " America 's security in the Persian Gulf and patterns, challenges and opportunities of the Islamic Republic of Iran," Proceedings of the Eighteenth International Conference on the Persian Gulf, Tehran: Foreign Ministry
- Afshordi, M.H, F. Nozari, (2010) " zoning factors affecting the military," Journal of Aboriginal strategy, the eleventh year, No. 108, Tehran 's Supreme National Defense University
- Ahmadi Nohandi, S. and A. kavandi kateb (2010) The geopolitics of the Indian Ocean rim countries with emphasis on the role of the Persian Gulf Cooperation Organization, Journal of Political Economy and economic extension, 281 and 282, February, March, pp 140-136
- Armed Forces Geographical Organization (2010) " along the border area and the new paradigm of " Tehran: Armed Forces Geographical Organization
- Bauman, L., and I. Clark (1990) Indian Ocean in global politics, translations H. Elahi, Tehran: Ghomes
- Benchary Taheri, M. (2011) Iran's new maritime strategy and shifting the balance of naval power in the Indian Ocean region around the North West, the International Centre for Peace Studies: <http://peace-ipsc.org/>
- Buzan, Barry and E.Wavre, (2009) " Areas of Atrength " translated Rahman Ghahreman pour, Tehran: Institute for Strategic Studies
- Cohen, Saul Bernard (2008), " geopolitical world order " translated by Abbas Kardan, Tehran: Abrar Moaser Tehran
- Ezzati, E. (2000) geostrategy, Tehran: Samt
- Ezzati, E. (1989) " military geography of Iran," Tehran's Amir Kabir Publications
- Green, Mihael J. and Andrew Shearer(2012) Defining U.S. Indian Ocean Strategy, CSIS Center, Spring 2012
- Hafeznia, MR. (1999), the Persian Gulf and the strategic Strait of Hormuz, Tehran: Publication Samt.
- Hafeznia, MR. (2002) Political geography of Iran, Tehran: Publication Samt.
- Hopa Physics network(N.A)Ocean's Earth: www.hupaa.com/20000000000005068/
- Houssini, D. (2009) Indian Ocean; New regional geo-strategic cloud: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/6066>
- Johari, A.B. (1995) Geographical discoveries translate pious Jesus was born and Ahmed brothers, Tehran: Amir Kabir
- Karimipour, Y (2009) " geopolitical Sea coast of Iran» Tehran: Tehran University Teachers
- Laipson, Ellen & Amit padya (2009), The Indian Ocean, Washington, Henry L. Stimson Center.

- Lessons from Islam's School (1980) The Pentagon 's strategy in the Indian Ocean, The Lessons of Islam School Journal, the twentieth year, Issue 5, August, pp. 44-41
- Mojtahedzadeh, P (2006) the country and borders in the Persian Gulf, translation Hamid Reza Nouri, Tehran: Foreign Ministry.
- Pishgahifard, Z. and N. Khaniha (2009) area of the Indian Ocean and the Strait of its strategic position in the globalization process, Journal of Geography, Number Three, Fall, pp. 190-153
- Rumley, Dennis(2013) The Indian Ocean Region: Security, Stability and Sustainability in the 21st century, Report of Australia India Institute. <https://www.aii.unimelb.edu.au/file/448/download?token=0SsoKHWU>.
- Shafei, N. and N. Faraj. (2008) " Gwadar port channel China's entry into the Persian Gulf," Proceedings of the Eighteenth International Conference on the Persian Gulf, Tehran: Foreign Ministry.
- www.geographicguide.net/asia/maps/middle-east.jpg
- www.lib.utexas.edu/maps/islands_oceans_poles/diego_garcia_pol80.jpg
- www.maps.google.com
- www.web.mst.edu/~rogersda/military_service/Diego%20Garcia%20Base.jpg
- www.weltrekordreise.ch/flags-maps/io%20map.jpg

